

۱- اصل کلی راجع باسناد که تابع قوانین محلی هستند *

۲- آیین دادرسی *

۳- تمیز بین قوانین خوب و قوانین بد *

بعدها علماء حقوق بر اصل شخصی بودن قوانین استکالات دیگری نیز وارد دیده و دامنه مستثنیات را توسعه دادند و مخصوصاً قاعده نظم عمومی کشور که یکی از مباحث مهم حقوق بین الملل خصوصی جدید بشمار میرود بکلی اعتبار اصل شخصی بودن قوانین را از بین برد و در کشورهای دیگر مخصوصاً فرانسه و آلمان تئوریهای جدیدی بوجود آمده و در اصول و مبانی حقوق بین الملل خصوصی تغییرات زیادی حاصل گردید و علمای بزرگی مثل Savigny و غیره پیدا شدند که این رشته از علوم حقوقی را تکمیل نموده و جنبه علمی و تحقیق بآن دادند ولی باید تصدیق کرد که حقوق دانهای ایتالیای شمالی مخصوصاً آک-ورس و باله و بارتل پایه و اساس این فن را ریخته و تاریخ علوم حقوقی باید اسم آنها را در صفحات خود با خطوط برجسته تا ابد محفوظ بدارد *

دکتر علی اصغر پورهمایون

حقیقت مطلب اینست که در هر موقع و در هر جا این دو اصل با هم وجود داشته و در بعضی از موارد قوانین محلی صلاحیت داشته و در برخی دیگر قوانین شخصی و بحث در اینکه اصل کلی شخصی بودن قوانین است و یا محلی بودن آنها جنبه عملی نداشته و جزء موضوعاتی است که از قرنهای قبل تا بحال در اطراف آنها علماء حقوق تحقیق و بحث نموده ولی هنوز بجائی نرسیده اند *

بطور کلی دول مختلفه مخصوصاً حکومتهای جدید ملی بیشتر طرفدار اصل محلی بودن قوانین بوده و باسانی اجازه نمیدهند که دادگاههای ملی قوانین خارجی را اجرا نمایند باین جهت امروز در عمل اصل کلی محلی بودن قوانین است و آلهانی هم که طرفدار اصل مخالف هستند خواهی نخواهی مجبور بقبول مستثنیات زیادی میباشند در همان موقع هم که در ایتالیای شمالی در نتیجه تئوریهای آکورس و شاگردانش اصل شخصی بودن قوانین مورد قبول واقع گردید موارد زیادی را علمای حقوق ایتالیا از حکومت این اصل خارج نمودند. مهمترین موارد استثنائی عبارت بودند از:

بحث در قوانین تجاری انگلستان

- ۱۴ -

پیشوای دادگاههای انگلیس در باره قرار دادی که جنبه تحدید تجارت داشت بدین معنی که کارگری متعهد شده بود تا چند مدت پس از پایان خدمت خود نزد کار فرما از تعهد خدمات دیگران خود داری نماید - چنین رأی داد:

« يك نفر کار فرما نباید کارگش را بمدت آنکه از خدمت او کناره گیری کرده است و دیگر نزد او

راجع بروش دادگاههای انگلستان در باره قرار دادهائی که از لحاظ مخالفت با سیاست اجتماعی مافی شناخته می شود بر ما لازم است قدری بیشتر سخن راننده موضوع را روشن تر سازیم زیرا در واقع این عنوان نه فقط برای ما که دور افتاده و بیگانه هستیم بلکه برای فقها و حقوق دانان خود انگلستان نیز تا اندازه ئی مبهم است در مورد یکی از دعاوی منسابه سال (۱۹۲۰) لردینگر

مقررات راجع به الغای قرار دادهائی که جنبه تحدید بازرگانی دارد وقتی در خصوص عدم اشاعه اسرار تجارتي و صنعتی منعقد شده باشد مجری نگشته و این قبیل تحدیدها در همه جسای عالم معتبر و معقول شناخته میشود.

بعضی قراردادها را دادگاه در يك قسمت معقول و در قسمت دیگر غیر معقول شناخته چنانچه طی يك قرارداد خوانده (مدعی علیه) تعهد نموده بود پس از پایان خدمات و تحصیلانش در شهر لندن یاد هر نقطه دیگری در انگلستان و اسکاتلند آنجاهائی که کار فرمایان او ممکن است مشغول کار شوند او بعنوان دندانساز بکار نپردازد.

این دعوا سال (۱۸۴۳) در دادگاه طرح و دادرس تحدید را برای شهر لندن معقول شمرده و نسبت بسایر نقاط نامعقول دانست. و راجع بیک قرار داد دیگر سال (۱۹۱۳) که طرف متعهد شده بود بساختن توپ های خود کار و دیگر نوع زرادخانه (مهمات) اقدام نکند دادگاه تحدید را بوط بتوپ های خود کار را معقول و انواع دیگر را نامعقول شمرده.

بنا بر قوانین انگلیس اتحاد چند نفر بقصد تحدید تجارت و زیان رسانیدن بشخص دیگر البته نا پسندی باشد اما هر گاه این اتحاد و قرارداد میان چند نفر بقصد پیش بردن تجارت خودشان بوجود آمده باشد بر فرض آنکه باعث خسارت شخص دیگر شود عمل آنها نا مشروع نیست و این اصل طی یکی از محاکمات بر سر و صدای انگلستان سال (۱۹۲۵) مسلم گردید.

خلاصه قضیه این بود که چند تن از بازرگانان کلی فروش یعنی بنسکدار طبق قرار دادی که میان خود نهادند بازرگان دست دومی را تهدید نمودند که هر گاه بشخص معینی از کسبه جنس بدهد آنها دیگر اجناس

شغلی ندارد از بکار انداختن معلومات و مهارت خویش و ادامه حرفه و پیشه اش ممنوع گرداند»

و سال (۱۹۱۳) قراردادی میان یک نفر بازرگان افزار آراگری زلف (مثل انواع شانه و غیره) باشا کردش منعقد شده و شاگرد متعهد شده بود هیچگاه تا زنده است در شهری که آنجا قرار داد بسته می شود بتجارت آنگونه اهتعه نپردازد.

این قرار داد را دادگاه نامعقول دانست نه از لحاظ تحدید آن کسب بلکه از لحاظ اینکه بدون مدت تحدید شده بود و گرنه هر گاه این تحدید برای مدت چند سال می بود معتبر شناخته میشد.

چنانچه چندین قرار داد که جنبه تحدید بازرگانی و کسب داشت و از آنجمله طی یکی از آنها جراحی متعهد شده بود تا حدود هفت میل اطراف یکی از شهر های انگلیس اقدام بمعالجه ننماید طی دیگری يك نفر ناشر مطبوعات متعهد شده بود تا فاصله یکصد و پنجاه میل در اطراف پستخانه مرکزی (لندن) بکسب خود نپردازد قرار داد اولی سال (۱۸۴۹) و دومی سال (۱۸۵۳) در دادگاه طرح و معتبر شناخته شد.

از طرف دیگر قراردادی که میان کارگر و کارفرما منعقد شده بود دایر بر این که تا مدت يك سال شاگرد از ساختن افزار دندانسازی در اطراف شهر معینی خود داری نماید آن قرار داد را دادگاه انگلیس خالی از اعتبار دانست بدین عنوان که در آن تاریخ کارفرما بساختن همان افزار مشغول نبوده و بنا بر این تحدید شاگرد از ساختن آنها برای او نفعی نداشته جز آنکه شاگرد را از ادامه پیشه خودش بی سبب محروم گردانیده است. در اینجا مقتضی است یاد آوری کنیم که اینگونه قراردادها نه فقط برفع تحدید کننده از طرف دادگاه اجرا نمیشود بلکه شخص تحدید شده نیز نمیتواند اجرای آنها را بوسیله دادگاه بخواهد.

خود را باو نخواهند فروخت و البته شخص اخیر در دادگاه بر علیه بنکداران نامبرده خواهان شد. انجمن لردها پس از رسیدگی معلوم نمود که قصد بنکداران پیش بردن کسب و حفظ منافع خودشان بوده نه زیان رسانیدن بشخص خواهان و بنا بر این خواهان حق دعوی و شکایتی بر علیه آنان ندارد.

لردها دیون دین پیشوای دادگاهها در سال (۱۹۲۵) طی اعلام رأی سه نکته زیر که از سه فقره از دعاوی قدیمتر استخراج کرده بود اتکاء نمود.

یکی از این سه فقره از رأی دادرس در دعاوی شرکت مغول با طرفهای سال (۱۸۹۲) بیرون کشیده شده بود بدینقرار:

«... در وهله نخست باید بدانیم که هر کس حق دارد تجارت خودش را بطریقه وروال ویژه خویش راه برد و بهرگونه که بهتر بداند و بیشتر بپسندد اداره نماید هر چند که این روال و روش موجب آن شود که در تجارت دیگران مداخله یابد...»

فقره دوم که مورد اتکای لرده نامبرده شد اصلی است که از رأی دادرس در یک دعاوی دیگر سال (۱۸۹۸) اقتباس گردیده از این قرار:

«... عملی را که بخودی خود مشروع باشند نمی توان بعنوان اینکه مقدمات و عوامل موجب آن احياناً بد بوده است نامشروع شمرد...»

فقره سوم که از رأی دادگاه در دعوائی به سال (۱۹۰۱) استخراج شده اینست:

«... بر فرض آنکه علت عمده اقدامی که شما بعمل آورده اید فقط این بوده است که کسب و کار خودتان را پیشرفت دهید با این حال شما حق ندارید باین عنوان باوسایل نامشروع در طریقه وروالی که دیگری برای کسب معاش خود بسندیده است دخل و تصرف نمائید و اما وسایل نامشروع ممکن است وسایلی

باشد که اصولاً نامشروع شناخته شده باشد و نیز ممکن است اموری باشد که هرگاه از شخص یکنا سر بزندان نامشروع نباشد اما همینکه مورد دسیسه چند تن واقع گشت جنبه نامشروع پیدا کند...»

این سه اصل که از سه دعاوی مختلف راجع بزمان های دور از هم دیگر استخراج شده مورد اتکای انجمن لردها واقع و در نتیجه اصلی که در بالا یاد شد بوجود آمد.

رأی هائی که دادگاههای انگلیس راجع بقرارداد هائی که جنبه تحدیدی آنها از لحاظ گران فروشی و بالا نگاه داشتن نرخ اجناس بشبوت رسیده صادر کرده اند گاهی سزاوار مطالعه میباشد -

سال (۱۹۲۸) دعوائی طرح شد راجع بقراردادی در باره صابون مخصوصی به نشان (نخل و زیتون) که بازرگان خواننده متعهد میشود صابون را بهر قیمتی که از شرکت فروشنده خریده باشد در بازار بنرخی کمتر از هر یک قالب شش پنس (پول انگلیس) بفروشد. دادگاه چنین رأی داد که صابون نامبرده یک رقم جنسی است که نه شخص خواننده و نه افراد جامعه مجبورند حتماً آن را خریداری نمایند بنا بر این قرار داد برخلاف مصالح جامعه نمیباشد.

بعضی قراردادها در انگلستان هست که الفای آن ها بنظر دادگاه منوط نبوده بلکه اساساً قوانین مصوب مجلس آنها را چون با مصالح جامعه موافق نبوده خالی از اعتبار ساخته است از آن جمله قرار دادهای مربوط ببازی یعنی معامله یا برد و باخت هائی که مبنای آنها شرط بندی است مثل اینکه دوفر برای کشتی گیری در پهلوان شرط بندی می کنند با راجع بفتح و شکست دو حریف نذر می بندند که هرگاه حریف اولی فاتح شد یا مغلوب گشت یک طرف فلان مبلغ بطرف دیگر بدهد. هر چند این قبیل شرط بندی و باخت در انگلستان

اینگونه قراردادها را قانون مصوب مجلس خالی از اعتبار شمرده هر چند که در بورس ها رواج دارد .
 اما باید یادآوری شود که خرید و فروش سهام هر گاه حقیقی باشد یعنی برآستی امروز صد سهم از سهام فلان شرکت را کسی بخرد برای آنکه وقتی نفع کرد بفروشد و در حساب بدهی خریدار در بانک قیمت صد سهم قید شده و در صندوق امانات صد سهم بنام او وارد شده باشد این معامله بمنزله یک قرارداد معتبر شناخته میشود و غیر از آن صورتیست که بالا یاد شد .
 رحیم زاده صفوی

رواج کامل دارد ولیکن قانون در بسیاری موارد آن ها را خارج از قراردادهای معتبر شمرده است
 همچنین است معاملاتی که در بورس ها بنام خرید و فروش سهام بعمل می آید اما فی الحقیقه هیچیک از دو طرف قرارداد نه سهمی را که خریده اند تحویل گرفته اند و نه قیمت آن را پرداخته اند بلکه صد سهم مثلا بصد لیره در این ساعت خریده شده و یک ساعت بعد که هر سهم چند شاهی گران تر یا ارزانتر گردیده است فقط همان تفاوت را بهم دیگر میپردازند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی